



عارف واحد ناروان
wahednavan@yahoo.com

هدیه قاچاری به دولت باکو

پاسخ به این پرسش که رییس جمهوری کشورمان بر چه اساسی قول راه اندازی کنسولگری جمهوری آذربایجان در تبریز را به همتای آذری خود داده را باید در ضعف‌های دیپلماتهای ما در این حوزه جستجو کرد.

مرسوم است کارشناسان هر حوزه‌ای (داخلی یا خارجی) بر اساس مصالح و منافع ملی، تمام جوانب یک موضوع را بررسی کرده و سپس برنامه آن را در اختیار رییس جمهوری یا دیگر مقامهای رده بالای کشور قرار می‌دهند تا وی بتواند در گفت‌وگوهای

برخی مقامهای این جمهوری این بار با گستاخی، یا از گلیم خود فراتر گذاشته و در آستانه سفر سیدمحمدخاتمی به جمهوری آذربایجان ادعاهای عجیبی درخصوص آذربایجان ایران مطرح کردند چنانچه نمایندگان استان اردبیل در مجلس شورای اسلامی که آماده همراهی رئیس جمهوری به باکو بودند، در اعتراض به اظهارات عجیب وزیر امور خارجه جمهوری آذربایجان این سفر را تحریم کردند. شاید اگر علی‌اف پدر در قید حیات بود، پاسخ محکمی به وزیر دولت خود می‌داد. ولی شگفتا که

وقتی خبرنگار یکی از روزنامه‌های وابسته به محافل پان‌ترکها در آستانه یکی از سفرهای "حیدرعلی‌اف" به ایران از قول وزیر امور خارجه وقت جمهوری آذربایجان از وی پرسید شما در این سفر چه تحفه‌ای برای آذری‌های ایران دارید؟ و آیا این موضوع واقعیت دارد که باکو برای پیوند دو آذربایجان با مقامهای ایرانی گفت‌وگو خواهد کرد؟! رییس جمهور وقت جمهوری آذربایجان چنان بر آشفت که وزیر امور خارجه خود را با رکیک‌ترین جمله‌ها مورد حمله قرار داد، سخنان او را تکذیب کرد و سپس از ایران به عنوان بهترین و بزرگترین همسایه جمهوری آذربایجان یاد کرد.

حیدر علی‌اف که با کمک تهران و مسکو موفق به برکناری ابوالفضل ایلچی‌بیگ رییس جمهوری پیشین و مجری برنامه‌های پان‌ترکها در باکو شده بود. بلافاصله پس از به قدرت رسیدن، نخستین سفر خارجی‌اش را به تهران انجام داد او در طول نزدیک به ۱۰ سال رهبری جمهوری آذربایجان سیاست غرب‌گرایانه‌ای در پیش گرفته اما هرگز درصدد مقابله با ایران بر نیامد. این سیاستمدار کهنه‌کار حتی تنش میان ایران و جمهوری آذربایجان بر سر منطقه نفتی البرز در خزر را که منجر به استفاده ایران از جنگنده‌های نظامی شد بسیار استادانه و با لبخندهای دیپلماتیک حل و فصل کرد.

وی در طول ۲ دوره ریاست جمهوری خود بارها به ایران سفر کرد و پذیرای مقامهای سیاسی و اقتصادی کشورمان در باکو شد اما مطبوعات عملاً وابسته به محافل پان‌ترکها همواره در آستانه سفرهای حیدرعلی‌اف به ایران جنجال به راه می‌انداختند. موضوع گشایش کنسولگری در تبریز از جمله سوزهای داغ این گروه از نشریات بود اما



خود بر اساس داده‌های کارشناسان با طرف مقابل چانه‌زنی کند زیرا رییس جمهوری و دیگر مقامهای رده بالای هر کشور به لحاظ درگیر شدن در حوزه‌های متعدد هرگز فرصت مطالعه و تحقیق در هر زمینه‌ای را ندارند.

اکنون پرسش بعدی اینگونه مطرح می‌شود که آیا طرح موافقت با راه‌اندازی کنسولگری جمهوری

سید محمد خاتمی در دیدار از باکو، موافقت ضمنی خود را با راه‌اندازی کنسولگری جمهوری آذربایجان در شهر تبریز اعلام کرد.

به نظر می‌رسد با چراغ سبزی که رییس جمهوری کشورمان در این زمینه به الهام علی‌اف نشان داد به آرزوی پان‌ترکها و تندروهای مخالف ایران در جمهوری آذربایجان جامه عمل پوشانید.

آذربایجان در شهر تبریز یک کار کارشناسانه بوده است؟

منتقدان سیاست خارجی معتقدند بدنه وزارت امور خارجه کشورمان عمدتاً از افراد غیر متخصص که بر اساس روابط انتخاب شده‌اند، تشکیل شده است و متأسفانه بسیاری از دیپلماتهای وزارت امور خارجه

خاتمی در سفر به باکو با گشایش کنسولگری جمهوری آذربایجان در تبریز موافقت کرد

عمدتاً با اصول اولیه بین‌الملل و بازیهای ظریف دیپلماتیک بیگانه‌اند به نحوی که در بررسی و مطالعه عملکرد سیاست خارجی ایران حداقل در حوزه قفقاز شکست‌های دیپلماتیک و عقب‌نشینی‌های ایران در برابر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از جمله دولت‌های جمهوری‌های تازه به استقلال رسیده بیشتر آشکار می‌شود.

باید اعتراف کرد که جمهوری کوچک و ۷/۵ میلیون نفری آذربایجان به لحاظ تعدد اقوام از جمله کشورهای ناپایدار است. این جمهوری علاوه بر خودمختاری نخجوان و استقلال منطقه قره باغ همواره از استقلال خواهی لژی‌ها و تشکیل لژگستان بزرگ در مرز این جمهوری با جمهوری فدراتیو روسیه و جنبش خودمختاری خواهانه تالشان در جنوب رنج می‌برد. از این رو متولیان سیاست خارجی و کارشناسان مسایل جمهوری آذربایجان با توجه به شرایط حاکم بر این جمهوری کوچک قفقاز و بحث رقابت جدی ایران، ترکیه و روسیه بر سر نفوذ در قفقاز نباید بی‌فکری و بدون گرفتن امتیاز از رقیبان (روسیه و ترکیه) با راه‌اندازی کنسولگری در تبریز موافقت می‌کردند بلکه در برابر این مسأله دیپلماتهای کشورمان باید بحث جدید راه‌اندازی کنسولگری ایران در شهر لنکران جمهوری آذربایجان را پیش می‌کشیدند در چنین شرایطی نه تنها رییس جمهوری کشورمان در مذاکرات سیاسی با رییس جمهوری آذربایجان در موضع مطلوبی قرار می‌گرفت بلکه طرف آذری به ویژه پان ترکه‌ها را در وضعیت دشواری قرار می‌داد. همچنان که در دو شماره پیش همین مجله اشاره شد شهر بزرگ لنکران مرکز جمهوری خودمختار تالشان بوده و این جمهوری که در هفتم

اوت سال ۱۹۹۳ با طغیان یک ژنرال بازنشسته به نام علی اکرم همت‌اف و اتحاد هفت شهر جنوبی آذربایجان شکل گرفت سرانجام با یورش نیروهای دولت مرکزی از هم پاشید از آن پس دولت مرکزی جمهوری آذربایجان همچنین مخالفان ایران، نسبت به ایرانی زبانها به ویژه تالشان که یک میلیون و دویست هزار نفر از جمعیت این جمهوری را تشکیل می‌دهند حساسیت‌های ویژه‌ای نشان می‌دهند و از تحرک مجدد این قوم برای کسب خودمختاری و حتی پیوستن به ایران به شدت در هراسند.

با این وجود ضرورت پیش کشیدن راه‌اندازی کنسولگری ایران در لنکران جمهوری آذربایجان هم به لحاظ سیاسی و هم به دلیل تحرکات بیشتر تجار ایرانی در مرز آستارا بیشتر از گذشته احساس می‌شود. اما چه شد که دیپلمات‌ها و کارشناسان ما در حوزه جمهوری آذربایجان از پیشنهاد چنین طرحی به رییس جمهوری خودداری کردند نیازمند پاسخی مستدل از سوی مسولان وزارت امور خارجه است؟ تردیدی نیست که اگر ایران با راه‌اندازی کنسولگری جمهوری آذربایجان در تبریز موافقت کند آن را باید شکست دیپلماتیک دیگری در کارنامه سیاست خارجی ایران تلقی کرد که بدون دریافت امتیازی تن به چنین خواسته‌ای داده است.

افزون بر این اگر پیشنهاد گشایش کنسولگری جمهوری آذربایجان در تبریز به خاتمی از سوی دیپلمات‌ها و کارشناسان این حوزه، پیشنهاد در خور توجه‌ای بود پس چرا این طرح به رغم فشارهای دولت باکو و پان ترکه‌ها که از یک دهه گذشته به تهران وارد می‌شود قبلاً با مخالفت دولت‌های هاشمی رفسنجانی و سیدمحمدخاتمی روبرو شده بود؟

اگر استدلال دیپلمات‌های این حوزه این باشد که تهران در راستای تنش زدایی با این موضع موافقت کرده است این واقعیت را نیز باید پذیرفت که سیاست تنش زدایی باید با اصول کلی نظام در سیاست خارجی یعنی "عزت، حکمت و مصلحت" همخوانی داشته باشد. اما آیا اظهارات مغرضانه محمدیاری و وزیر امور خارجه جمهوری آذربایجان دو روز مانده به سفر

سیدمحمدخاتمی به باکو اصول کلی سیاست خارجی کشورمان را زیر سؤال نمی‌برد؟ و عزت ایرانیان را لکه دار نمی‌کند؟

مجلس هفتم همکاری نسبتاً خوبی را با سایر وزارت‌خانه‌ها و نهادهای کشور به ویژه با وزارت امور خارجه آغاز کرده است خودداری نمایندگان از سفر به باکو نمایشی از تعامل مجلس با وزارت امور خارجه و احترام گذاشتن به عزت ایرانیان است.

در حالی که دستگاه سیاست خارجی باید با حمایت از اقدام خوب نمایندگان استان اردبیل و با پشتیبانی همین مجلس، وزیر امور خارجه جمهوری آذربایجان را تحت فشار قرار می‌داد و او را وادار به پس گرفتن اظهارتش می‌کرد اما نه تنها چنین نشد بلکه دیپلمات‌های ایران در باکو در اقدامی بسیار عجیب با پذیرش تاسیس کنسولگری جمهوری آذربایجان در تبریز نوعی هدیه قاجاری به محمد یاراف پیشکش کردند!

دادن امتیازات این چنینی در واقع تکرار تاریخ سراسر شرم‌آور ایران در دوره قاجارهاست که تن به قراردادهای گلستان و ترکمن چای دادند.

صحنه رقابت در نظام بین‌المللی بر اساس عقاید "هانس مورگان" توریسین و نظریه پرداز بزرگ بر پایه قدرت است بنابر این منافع ملی کشورمان نباید بیش از این بر اساس ضعف دیپلمات‌های ما و سیاست تساهل و تسامع وجه‌المصلحه قرار گیرد. به ویژه

نمایندگان اردبیل در مجلس از سفر به جمهوری آذربایجان خودداری کردند

این که وزارت امور خارجه به دلیل حساس بودن موقعیت کشور و پیچیدگی‌های نظام بین‌المللی نیاز شدید به خانه تکانی دارد.

این مهم به دلیل عملکرد مثبت نمایندگان استان اردبیل در مجلس شورای اسلامی و جایگاه ویژه مجلس شورای اسلامی بر عهده این مجلس است تا با رایزنی با وزیر امور خارجه و سایر مقام‌های بلندپایه این وزارت‌خانه از راه‌اندازی کنسولگری جمهوری آذربایجان در تبریز تا روشن شدن برخی ابهامات در روابط تهران - باکو جلوگیری کنند بعلاوه نقاط ضعف وزارت امور خارجه نیز با همکاری دو نهاد بزرگ کشور ترمیم شود.